

از دانشگاه

افول استقلال و آزادی آکادمیک

جبار رحمانی، دانشیار انسان‌شناسی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، مهم‌ترین چالش دانشگاه ایرانی در دوره معاصر چیست؟ شاید پرسشی به این وسعت را نتوان پاسخی مختصر داد، اما می‌توان برای رسیدن به این پاسخ مسیری منطقی را طراحی کرد و آن مسیر هم توجه به بنیان‌ها و پیرنگ نهاد آکادمی است؛ برای این کار باید به خصلت‌های بنیادینی که دانشگاه‌بودگی این نهاد را تضمین می‌کنند توجه کرد، یعنی استقلال و آزادی آکادمیک؛ دو خصلتی که حضورشان تضمین سلامت این نهاد و فقدانشان به نشانه تباهی این نهاد خواهند بود. پاسخ به این پرسش، مستلزم نگاهی تاریخی از دوره‌های مختلف نهاد دانشگاه است؛ اینکه دانشگاه از کجا آمده؟ دچار چه دست‌اندازی‌ها و دستبردهایی در میانه راه شده و در نهایت امروزه به کجا رسیده و چه باید کرد؟ دانشگاه در ایران از دل جنبش مشروطه‌خواهی و تلاش ایرانیان برای مدرن‌کردن کشور برآمد، برخلاف تلاش‌هایی که آن را به شخص یا افراد خاصی منتسب می‌کنند، منابع تاریخی نشان از آن دارد که ایده دانشگاه بخشی از نظام فکری توسعه‌گرا برای ایران از اواخر قاجار به این‌سو بوده است. نگاهی به منشورهای تأسیس مدارس اولیه و دارالفنون و در مراحل بعد، دانشگاه‌ها، نشان از این ایده دارد که دانشگاه‌ها برای حفظ و بازسازی فرهنگ ملی و تربیت متخصصانی برای توسعه کشور تأسیس شدند. آنچه این نهاد دچارش شد شبیه سرنوشت دانشگاه در بسیاری از کشورهای خاورمیانه در وضعیت پسااستعماری است. به‌واسطه جنبش‌های ملی‌گرایانه دوران پسااستعماری و روی کار آمدن حکومت‌های ملی‌گرا و ایدئولوژیک، دانشگاه‌های خیلی زود مورد تسخیر حکومت‌ها قرار گرفتند. با تشکیل حکومت‌های مدرن در کشورهای خاورمیانه یکی از اولین عرصه‌هایی که مورد دست‌درازی‌های نهادهای سیاسی قرار گرفت، دانشگاه بود. این دست‌اندازی‌ها به بهانه و به بهای توسعه کشور و حل بحران‌ها بود اما در اصل منجر به دستکاری در قواعد بنیادین میدان دانشگاه در این کشورها برای تصرف آن به نفع قشر حاکم شد. مهم‌ترین خصیصه‌های معطوف به ساختارها و خصلت‌های بنیادین آکادمی، استقلال و آزادی آکادمیک هستند. معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی دربرگیرنده استقلال ساختاری، استقلال محتوایی، استقلال مالی، جامعیت پاسخ‌گویی و استقلال در تصمیم‌گیری می‌شود. این نهاد هرچند قرار بود در خدمت توسعه کشور باشد، اما برای اینکه بتواند کارآمد و مفید باشد ضرورت‌های اولیه‌ای برای خودش دارد که مهم‌تر از همه حفظ حرمت حریم دانشگاه است. این آزادی و استقلال دانشگاهی که دو مقوله مجزا ولی عمیقاً وابسته به هم هستند، بیانگر پیش‌شرط‌هایی هستند که نهاد علم بتواند از یک سو تأمل را به‌مثابه یک ضرورت فی‌نفسه برای اجتماع بشری (برای توسعه وجودی انسان اندیشه‌ورز) و تأمل و اندیشه را به‌مثابه یک ضرورت کاربردی برای توسعه و خیر عمومی (برای توسعه پایدار اجتماعی) هم‌زمان داشته باشد. آزادی آکادمیک به معنای فقدان پاسخ‌گویی به جامعه و نیازهای آن نیست، بلکه به معنای فقدان مداخله نهادهای بیرونی در مکانیسم‌های درونی دانشگاه است. ازاین‌رو آزادی آکادمیک، شامل آزادی در آموزش و پژوهش، فقدان هژمونی عقیده آزادی بیان آکادمیک و استقلال دانشگاه برای تصمیم‌گیری برای خودش است. هرچند از همان آغاز تأسیس دانشگاه آن را باید نهادهی سیاسی تلقی کرد، اما این سیاسی‌بودن بیش از همه دال بر کارویژه این نهاد برای خیر عمومی و توسعه پایدار جامعه و تسهیلگری نهاد سیاست برای توسعه دانشگاه است نه آنکه در خدمتگزاری برای ایدئولوژی سیاسی باشد. اما در ایران معاصر و به‌ویژه در نیم‌قرن اخیر آنچه رخ داده، این است که هم از طریق قانون‌گذاری‌ها و هم از طریق مداخله در رویه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر در داخل و حتی کاهش اختیارات قانونی و تصمیم‌گیری دانشگاهی به‌واسطه واگذاری این حقوق به نهادهای بیرونی ما شاهد وضعیتی هستیم که می‌توان آن را اختلال در پیرنگ‌های این نهاد دانست. تحمیل سازوکارها و آیین‌نامه‌هایی که تعیین کنند کنشگران دانشگاهی چگونه باید ببینیشند، درباره چه و با چه نتایجی ببینیشند. چنین دانشگاهی بیش از هرچیز بازمانده بی‌خاصیتی از یک رویا یا یک آرمان مدرن است؛ نهادهی میان‌تهی و پوسیده. نگاه به وضعیت دانشگاه امروز ایران، نهادهی که بسیاری از روندها و فرایندهای درونی آن توسط نهادهای بیرونی تعیین می‌شوند، بیانگر همین روند است که در آن استخدام‌ها در خدمت قواعد بنیادین این نهاد نیست. به همین سبب، شرایطی را که امروز در آن قرار داریم، می‌توان مسیر تصرف و استحاله دانشگاه توسط سیاست دانست که شامل این مراحل می‌شود: ۱- میل به نظارت و کنترل بر دانشگاه، ۲- تلاش برای تعیین مکانیسم‌ها و روندهای درونی دانشگاه، ۳- تأسیس نهادهای مؤثر بر حیات درونی دانشگاه که قدرت قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری دارند، ۴- واگذاری تصمیم‌گیری‌ها به نهادهای بیرونی و ۴- در آخرین مرحله تزریق گسترده نیروهای با معیار وفاداری سیاسی به جای معیار صلاحیت علمی در دانشگاه. مرحله آخر را باید آخرین مرحله در استحاله نهاد دانشگاه توسط سیاست دانست؛ یعنی تصرف دانشگاه از طریق جابه‌جایی نیروهای ساکن در این قلمرو با معیارهایی غیرعلمی. این وضعیت تصرف‌شدگی از درون، مهم‌ترین بحران دانشگاه امروز ایران است. وزارت علوم هم در این سال‌ها نتنها نتوانسته به این بازی و روند مهاری بزند، بلکه تجربه این یک سال اخیر و وضعیت فرایند استعلام‌ها و... به روایت مقامات وزارتخانه نشان می‌دهد آنچه به عنوان استحاله نهاد دانشگاه باید برشمرد عمیقاً رخ داده است و نمی‌توان انتظار معجزه‌ای داشت. در این میان در تلاقی دستکاری‌هایی که از طریق آیین‌نامه‌ها، نهادهای مداخله‌گر و در آخرین مرحله، تغییر کنشگران علمی از طریق تغییر معیار علمی جذب به معیار وفاداری سیاسی برای جذب رخ داده است، ما با دانشگاهی مواجه‌ایم که می‌توان آن را نهادهی سرگشته و مختل نامید. به همین سبب آینده این نهاد را کنشگری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی تعیین می‌کنند که پیرنگ‌های اصلی حیات خلاقانه این نهاد یعنی آزادی و استقلال آکادمیک را بدان برگرداند که روند موجود چشم‌اندازی ناروشن را پیش‌روی ما قرار داده است.



در ترکیه، دانشگاه کوش با رتبه ۳۵۸، دانشگاه بیلکنت در رتبه ۵۹۵ و دانشگاه بوغازیچی در بازه ۷۵۱-۸۰۰ قرار دارند. عربستان سعودی، به‌ویژه با سرمایه‌گذاری سنگین در دهه اخیر، جهش کم‌سابقه‌ای داشته است: دانشگاه ملک عبدالعزیز اکنون در مقام ۳۰ جهان و دانشگاه علم و صنعت ملک فهد در رتبه ۱۰۸ قرار گرفته‌اند. قطر و امارات هم دانشگاه‌هایی دارند که در سال‌های اخیر به جمع ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان راه یافته‌اند.

این مقایسه نشان می‌دهد دانشگاه‌های ایرانی در جمع برترین‌های منطقه (حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ جهان) حضور دارند و همچنان وابسته به داشته‌های قدیمی و اثرگذاری مقالات پژوهشی‌اند. اما در حوزه جذب استادان بین‌المللی، امکانات آزمایشگاهی، شبکه‌های همکاری علمی و بودجه پژوهشی با چالش‌های درخورتوجهی روبه‌رو هستند که رقابت را، به‌ویژه با عربستان و کشورهای جنوب خلیج فارس دشوارتر کرده است. کشورهای یادشده، با حمایت مالی گسترده و ایجاد ارتباطات جهانی، توانسته‌اند حضور پایداری‌تر در میان صد دانشگاه برتر داشته باشند.

با این حال، آنچه دانشگاه‌های ایرانی را متمایز می‌کند، اتکای آنها به پتانسیل نیروی انسانی، پشتوانه تاریخی و گسترش سریع پژوهش‌های علمی است. کشورهایی مانند مصر و هند نیز به‌سرعت در حال نزدیک‌شدن به رده ایران هستند و رقابت منطقه‌ای بیشتر بر سر کیفیت، کارآفرینی و توسعه پایدار شکل گرفته است تا صرفاً شمار مقالات و حضور اسمی در رتبه‌بندی‌ها.

عصر جدید توسعه پایدار

در سال‌های اخیر موج گسترده‌ای در آموزش عالی جهانی شکل گرفته که دانشگاه‌ها را با سنجه‌هایی فراتر از دستاوردهای صرفاً پژوهشی و آموزشی می‌سنجد. این موج، توسعه پایدار را به نقطه کانونی ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها وارد کرده است؛ معیاری که نه‌تنها پژوهش‌های زیست‌محیطی، بلکه اثربخشی اجتماعی، برابری، حکمرانی سالم و تأثیر واقعی دانشگاه بر اجتماع و محیط اطرافش را اساس امتیازدهی قرار می‌دهد.

مؤسسه QS در رتبه‌بندی Sustainability Rankings و تایمز در Impact Rankings، هم‌زمان با

موج جهانی تلاش برای تحقق اهداف توسعه پایدار

سازمان ملل، ارزیابی دانشگاه‌ها را وارد عصر جدیدی کرده‌اند. این رتبه‌بندی‌ها علاوه بر شاخص‌های پژوهشی و وجهه علمی، به اندازه و کیفیت اقدامات مربوط به محیط زیست، تنوع و عدالت اجتماعی، رفاه دانشجویان، بدنه مدیریتی شفاف و مشارکت دانشگاه‌ها در حل مسائل واقعی جامعه بها می‌دهند. در QS Sustainability سال ۲۰۲۴، ۱۲ دانشگاه ایرانی در جمع بیش از هزار و ۶۰۰ دانشگاه برتر دنیا قرار گرفتند. دانشگاه تهران توانسته عنوان نخست ایران را در این عرصه کسب کند و در رتبه ۶۰۱ تا ۶۵۰ جهانی قرار گیرد. صنعتی شریف و امیرکبیر نیز در جایگاه ۷۰۱ تا ۷۵۰ ایستاده‌اند. هرچند هیچ‌یک

از دانشگاه‌های ایران هنوز داخل ۵۰۰ دانشگاه پیشتاز توسعه پایدار جهان نیستند، اما ورود بر تعداد دانشگاه‌ها در همین سال‌های اول این رتبه‌بندی، امیدی است به یوایی اجتماعی و زیست‌محیطی آموزش عالی کشور.

در رتبه‌بندی تایمز (Impact Rankings) که مبتنی بر ۱۷ شاخص اهداف جهانی توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) است، دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران حضوری برجسته پیدا کرده‌اند. در ویرایش ۲۰۲۴، سه دانشگاه علوم پزشکی (کرمان، تهران، شهید بهشتی) در جمع ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان در شاخص سلامت و رفاه قرار دارند. دانشگاه‌های فردوسی مشهد و تهران نیز عملکرد درخورتوجهی در شاخص‌های آموزش باکیفیت و اقدام اقلیمی دارند.

به طور کلی، مهم‌ترین دستاورد راهبردی این حضور جدید، برجسته‌شدن مفهوم مسئولیت اجتماعی و محیط‌زیستی دانشگاه‌های ایرانی است. تا چند سال قبل اصلی‌ترین سنجه‌های موفقیت، تنها رشد کمی پژوهش بود؛ اما امروز، همکاری‌های بین‌رشته‌ای درباره حل بحران آب، برنامه‌های آموزشی پایدار، کارآفرینی سبز و مشارکت دانشگاهیان در رفاه عمومی، نقشی کلیدی در موفقیت پایدار ایفا می‌کنند. به بیان دیگر، دانشگاه‌های ایرانی اگرچه با رتبه‌های نخست جهانی توسعه پایدار هنوز فاصله دارند، اما شروع جدی آنها برای حضور در این جدول، نویددهنده تغییری عمیق‌تر در فرهنگ و عملکرد آموزش عالی کشور است.

فرصت‌ها و گره‌های کور

حضور چشمگیرتر دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی جدید و توسعه‌یافته، هرچند دسآوردی قابل اتکا برای نظام آموزش عالی کشور محسوب می‌شود، اما خودبه‌خود نمی‌تواند نشانه حل همه چالش‌ها یا تضمین تداوم پیشرفت در آینده باشد. موفقیت امروز دانشگاه‌های برتر ایران تا حد زیادی محصول تلاش گسترده در حوزه کمیت تولیدات پژوهشی، ارتقای کیفیت مقالات و سیاست‌های تشویقی وزارت علوم و وزارت بهداشت در ثبت نتایج علمی در نمایه‌های بین‌المللی

صعود ۴ دانشگاه ایران به رتبه تأثیر گذارها

است. اما مسیر رشد بالاتر، پیچیده‌تر و پیش‌نیازش تغییراتی ساختاری است.

یکی از جدی‌ترین چالش‌ها، فاصله مزمن دانشگاه‌های ایرانی با جهان در شاخص‌های بین‌المللی‌سازی، نشاط و پویایی اکوسیستم پژوهش و آموزش و در نهایت اثربخشی اجتماعی واقعی است. تعداد استادان و دانشجویان خارجی در بسیاری از دانشگاه‌های مطرح کشور، به مراتب کمتر از حد معیارهای منطقه‌ای و جهانی است. مشکلاتی مانند محدودیت‌های مالی، مسائل مربوط به ویزا، زیرساخت‌های ناکافی، کمبود خوابگاه و خدمات حمایتی و همچنین موانع زبانی و فرهنگی، همچنان سد راه جذب دانشجویان و استادان غیرایرانی به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، روند استخدام‌ها، بودجه پژوهشی و کیفیت همکاری‌های دانشگاه با صنعت و بخش خصوصی نیز در بسیاری موارد متناسب با استانداردهای جهانی نیست. فضای پژوهشی و آموزشی دانشگاه‌های برتر کشور گاه زیر سایه نگاه سنتی قرار دارد و این مسئله سبب می‌شود تا سیاست‌های نوآورانه و پروژه‌های کارآفرینانه با دشواری بیشتری محقق شود.

فرهنگ دانشگاهی در داخل نیز، با وجود انگیزه‌های فراوان، هنوز تا جالفاتدن نگرش توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی فاصله دارد. بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای و زیست‌محیطی، داوطلبانه و از سوی اقلیتی از دانشجویان و استادان پیش برده می‌شود و هنوز به گفتمان غالب رقابت دانشگاهی تبدیل نشده است. درحالی‌که اکنون شاخص‌هایی نظیر رفاه محیط کاری، تنوع و برابری، آگاهی محیط‌زیستی و مشارکت اجتماعی در نظام‌های رتبه‌بندی وزن بیشتری پیدا کرده‌اند و آینده رقابت‌ها را رقم می‌زنند.

با این حال، همین فرصت‌های جدید و حرکت به سوی آموزش و پژوهش بین‌رشته‌ای، چشم‌انداز روشنی را برای اکوسیستم دانشگاهی ایران ترسیم می‌کند. افزایش همکاری‌های بین‌المللی، ورود به شبکه‌های پژوهشی جهانی، و استفاده از ظرفیت عظیم نخبران ایرانی خارج از کشور می‌تواند بخشی از این شکاف‌ها را جبران کند. همچنین بهبود نظام حکمرانی دانشگاهی، آزادسازی بخشی از موانع اداری و تمرکز بر برنامه‌های توسعه پایدارمحور، مهم‌ترین فرصت و راه نجات برای ماندگاری پیشرفت فعلی به شمار می‌آید.

واقعیت یا آرایش رتبه‌ها

رتبه‌بندی‌های جهانی دانشگاه‌ها در چند سال گذشته، آموزش عالی ایران را به صحنه‌ای جدید کشانده‌اند؛ جایی که معیارهای فنی، پژوهشی و به‌تازگی توسعه پایدار، هم ابزار سنجش و هم موتور محرک تغییر بوده‌اند. حضور پیوسته و رو به رشد دانشگاه‌های ایرانی در جدول‌هایی مانند QS، تایمز و شانگهای، بدون‌تردید موفقیتی ارزشمند است و تا حدی حاصل تلاش گسترده سیاست‌گذاران، استادان و دانشجویان محسوب می‌شود. اما نگاهی دقیق‌تر به داده‌ها و فرایندها، زوایای پنهان و پرسش‌های مهمی را نیز پیش چشم می‌گذارد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام‌های رتبه‌بندی، سهم درخورتوجه داده‌های خوداظهاری دانشگاه‌ها و کشورهاست. معیارهایی مانند تعداد دانشجویان و استادان بین‌المللی، شاخص‌های حکمرانی، گزارش‌های تنوع جنسیتی، اقدامات زیست‌محیطی و حتی بخشی از داده‌های پژوهشی و استنادی گاه بر مبنای گزارش‌های داخلی و پرسش‌نامه‌ها گردآوری شده و از طریق فرایندهای نه‌چندان شفاف ارزیابی می‌شوند. به‌همین‌دلیل برخی صاحب‌نظران هشدار می‌دهند که تکیه بی‌چون‌وچرا بر امتیازات حاصل از شاخص‌های خوداظهاری، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند توسعه پایدار، می‌تواند «نمایه‌ای نه‌چندان واقعی و حتی آرایشی» از عملکرد دانشگاه ارائه دهد.

این چالش وقتی جدی‌تر می‌شود که رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی و همچنین فشار رسانه‌ای یا سیاستی، برخی مجموعه‌ها را به سوی بزرگ‌نمایی یا گزینش هدفمند داده‌ها سوق می‌دهد. تجربه نشان داده که رگ‌هاک دانشگاهی به جای اصلاح ساختارهای حقیقی و تصمیم‌سازی، تمرکز خود را بر پاسخ به چک‌لیست‌های بین‌المللی و ارتقای امتیازات ظاهری درباره هر نتیجه در بلندمدت نه به بهبود اعتبار علمی، بلکه به سيطرة «امارسازی» و کاهش سرمایه اجتماعی دانشگاه منجر خواهد شد. با همه این نکات، نمی‌توان ظرفیت‌های جریان‌ساز ورود آموزش عالی ایران به رتبه‌بندی‌های جدید را نادیده گرفت؛ به‌ویژه آنجا که رشد تدریجی برخی دانشگاه‌ها در شاخص‌های واقعی‌تر و اثرگذارتر مانند پژوهش‌های بین‌دانشگاهی، مشارکت اجتماعی، نوآوری و توسعه پایدار، برابندی ملموس در عملکرد دانشگاه، جامعه و اعتماد عمومی ایجاد می‌کند. راه آینده بدون‌تردید از دل همین شفافیت داده، راستی‌آزمایی عملکردها، مشارکت بیشتری از سوی دانشجویان و استادان، و پیوند سیاسی و عملی میان سیاست‌گذاران و بدنه دانشگاهی می‌گذرد.

در آخر، دانشگاه‌های ایرانی اگرچه برای رسیدن به سکوهای بالاتر رقابت جهانی مسیر دشواری در پیش دارند، اما توجه به کیفیت ارزیابی‌ها، پرهیز از اتکای صرف به خوداظهاری و تلاش برای همسویی واقعی با معیارهای توسعه پایدار و حکمرانی شفاف، می‌تواند اعتبار و نقش بیرونی آنها را نه‌فقط برای رتبه‌بندی‌ها، بلکه برای آینده جامعه ایران ماندگارتر کند.

هنرمند باید در هر شرایطی همسوبا مردم وکنار آنها باشد

صد نفر هنرور بودند. خب من هم می‌ترسیدم. خود آقای میربارقی هم هم‌اش وحشت داشت که نکند مبتلا شویم، به‌خصوص حالا راجع به من چون سنم هم بالاتر بود. ولی

آقای میربارقی واقعا آدم فوق‌العاده‌ای است.

❌ الان تمام کردید یا در حال کار با خانم آبیار هستید در سریال بامداد خمار؟

بامداد خمار برای من واقعا پیشنهاد جذابی بود. برای اینکه وقتی ایشان من را دعوت کردند و به دفترشان رفتم، فکر می‌کردم که من را برای چه نقشی می‌خوانند؟ تا آنجا که فکر می‌کردم، می‌دیدم نقشی نیستی که به من بخورد. بعد که رفتم گفتم خانم آبیار، برای من چه نقشی در نظر گرفتید؟ گفت: «تو محبوبه هستی» محبوبه پیر. گفتم: «خب محبوبه جوان کیست؟» گفتند که ترلان پروانه. گفتم: «خانم آبیار، او خوشگالش است». گفتند خب شما هم زیبا هستین، گفتم: «اگر شما می‌گویید، خب من هم دیگر بیشتر از این اصرار نمی‌کنم». به هر حال خانم آبیار واقعا کار خودشان را خوب بلدند ولی تجربه خیلی جالبی بود. من یک ماه قزوین بودم. در حالی‌که یک ماه، تمام ۳۰ روز را من کار داشتم. از پنج بعدازظهر تا پنج صبح. حالا بعضی وقت‌ها پنج صبح، حالا مثلا سه صبح، چهار صبح. ولی تمام مدت المیرا هفتانی نبود که به حرف‌های من گوش می‌کرد و من بوم که تعریف می‌کردم. چون تمام این ماجرا در یک شب می‌گذرد. یعنی یک شب، این زن ماجرای زندگی‌اش را برای بردارزاده‌اش تعریف می‌کند.

❌ فیلمی، سریالی چیزی هست که الان انجام شده باشد و نه نگفته باشم؟

نه. ببیند الان برای کسانی که در سن من هستند، واقعا نقش‌ها، نقش‌هایی است که خب کوتاه است، باید هم این‌طور باشد. دیگر بر اساس یک آدمی که ۲۰- ۸۰ ساله است، فکر نمی‌کنم. خیلی کم پیش می‌آید. مگر اینکه یک کسی مثل آقای انتظامی دوباره زنده شود و برای نقش او، یک قصه بنویسند.

❌ گفت‌وگو کامل را می‌توانید در یوتیوب «شرق» تماشا کنید.

خبرخوان

تدوین اطلس آسیب‌های اجتماعی

وزیر آموزش و پرورش از تدوین اطلس آسیب‌های اجتماعی خبر داد و گفت: «اطلاعات همه مسائل و آسیب‌ها به‌صورت جزئی از همه مناطق و ادارات در این سامانه قرار می‌گیرد». علیرضا کاظمی، آسیب‌های اجتماعی را بزرگ‌ترین تهدید کشور دانست و افزود: «ضرورت دارد همه دستگاه‌ها پای کار طرح نماذ بایند. آسیب‌های اجتماعی مانند حشره‌ای که از درون درخت را می‌خورد، جامعه را پوک و توخالی می‌کند». وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، فعالیت‌های مختلفی را برای دانش‌آموزان تدوین کرده‌ایم، ادامه داد: «تمام امکانات و فعالیت‌ها را برای رشد دانش‌آموزان ازجمله ورزشی، فرهنگی و اجتماعی و حتی برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت را با توجه به ذائقه‌های متفاوت ایجاد کرده‌ایم».

۵۷۰۰مجرور در جنگ ۱۲روزه

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه حدود پنج‌هزارو ۷۰۰ مجروح در جنگ ۱۲روزه داشتیم، گفت: «مدارک و اسناد باید جمع‌آوری شود تا بتوانیم شایات‌ها را در مجامع بین‌المللی پیگیری کنیم». محمدرضا ظرفرقتی ادامه داد: «حدود پنج‌هزارو ۷۰۰ نفر بودند. چیزی که مجامع بین‌المللی و مجامعی که ادعای حقوق بشر دارند باید وارد می‌شدند، این بود که این رژیم به هیچ اصلی پایبند نبود، به بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها، کودکان و زن‌ها حمله شد و تعداد بسیار زیادی از مجروحان ما کادر درمان و پزشکی، بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها بودند». او افزود: «به نظر من یک عکس‌العمل بین‌المللی باید در این زمینه داشته باشیم و مدارک و اسناد جمع‌آوری شود و یک طرح شکایت در مجامع بین‌المللی در این زمینه صورت بگیرد».

درباچه‌ارومیه هیچ‌وقت مانند قبل نمی‌شود

النا: مدیر مؤسسه آب دانشگاه تهران تأکید کرد: «ستاد احیا تلاش خود را می‌کند، اما واقعیت این است که سطح زیر کشت فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است. تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند، مشکل دریاچه ارومیه با راه‌حل‌های فناورانه قابل حل نیست. شاید دیگر نتوانیم هیچ‌وقت دریاچه ارومیه را به شکل یک دریاچه مانند سابق داشته باشیم».

زهرانی درباره آینده دریاچه ارومیه ادامه داد: «حوضه آبریز دریاچه ارومیه هم متأثر از خشک‌سالی‌های کشور بوده است. در کل کشور ۴۰ درصد کاهش بارش داشتیم و در دریاچه ارومیه نیز همین شرایط کم‌بارشی را شاهد بوده‌ایم». او افزود: «کلا دریاچه ارومیه در تابستون به خاطر تبخیر بالا قسمت زیادی از سطح آب خود را از دست می‌دهد که اسمال هم به خاطر کم‌بارشی و هم به خاطر گرم‌ترشدن هوا، میزان تبخیر شدیدتر از سال‌های قبل است». به گفته مدیر مؤسسه آب دانشگاه تهران، ستاد احیا تلاش خود را می‌کند، اما واقعیت این است که سطح زیر کشت فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است. تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند، مشکل دریاچه ارومیه با راه‌حل‌های فناورانه قابل حل نیست. او گفت: «اخیرا طرح بزرگی تعریف شده که روی دریاچه پتل خورشیدی نصب شود؛ این طرح‌ها واقعا نمی‌تواند مشکل دریاچه را حل کند، حوضه دریاچه ارومیه نیاز به کاهش سطح زیر کشت دارد و اول اندکی آب در دریاچه جمع می‌شود و تابستان مجددا خشک می‌شود». زهرانی تأکید کرد: «فرایند خشک‌شدن دریاچه ارومیه باعث شده مقدار زیادی از عمق را به دلیل کریستالیزه‌شدن نمک‌ها از دست بدهد و هر قدر عمق کمتر شود، آسیب‌پذیری به دلیل تبخیر بیشتر می‌شود؛ یعنی ارتفاع آب محدودی در سطح عظیمی پخش و به سرعت تبخیر می‌شود».